

سنت زیارت عتبات عالیات، به عنوان بخشی از آداب معنوی سفر حج

احمد خامه یار^۱

چکیده

مشاهد مقدس امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام و دیگر امامان مدفون در عراق، با ساخت بناهای بزرگ بر آنها در سده سوم و چهارم هجری، رفته رفته مورد توجه و اهتمام روزافزون عموم مسلمانان قرار گرفت. در آن دوره، شهرهای بغداد و کوفه، دو مبدأ بسیار مهم برای سفرهای حج بود و بسیاری از کاروان‌هایی که از سرزمین‌های شرقی اسلامی همچون ایران، خراسان و آسیای میانه راهی سفر حج می‌شدند، در مسیر خود از خاک عراق می‌گذشتند و گاه در مسیر، دو حرم مطهر امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام را نیز زیارت می‌کردند. پژوهش حاضر، بر آن است تا به شیوه توصیفی و با استقصای حداکثری شواهد و مدارک تاریخی شامل متون و منابع مکتوب (همچون راهنمانگاری‌ها و سفرنامه‌های حج) و اسناد تصویری کهن (نظیر طومارهای گواهی‌نامه حج و طومارهای زیارتی شیعی)، نشان دهد که زیارت عتبات عالیات، به تدریج با سفرهای حج مسلمانان شماری از سرزمین‌های اسلامی ارتباط یافته است و بسیاری از کاروان‌های حج که در مسیر خود از عراق عبور می‌کردند، به عنوان بخشی از آداب معنوی سفر حج، به زیارت مشاهد ائمه علیهم السلام در عراق، به ویژه دو آستان مقدس علوی و حسینی، تقید داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: سفرهای حج، زیارت، عتبات عالیات، آستان امام علی علیه السلام، آستان امام حسین علیه السلام، عراق.

فریضه حج، از ارکان و عبادات اصلی اسلام است و شوق مسلمانان به حجگزاری و زیارت حرم پیامبر ﷺ، همواره عاملی بوده تا آنان به رغم دوری راه و سختی‌های فراوان آن، رنج سفر را بخرند و از سرزمین‌های دوردست به مقصد حجاز سفر کنند؛ سفری که احتمال وقوع هر حادثه غیر مترقبه‌ای در آن وجود داشت و گاه حتی بازگشتی برای آن متصور نبود.

مسلمانان، مسیرهای جغرافیایی متفاوتی را برای سفر حج طی می‌کردند؛ اما از مسیرهای اصلی و بسیار رایج، مسیر عراق بود که به ویژه از دوره خلافت عباسی (۱۳۲-۶۵۶ق)، با انتقال مرکز خلافت به بغداد، بیشتر مورد استفاده کاروان‌های حج عراق و ایران و دیگر سرزمین‌های شرقی خلافت اسلامی قرار داشت. مبدأ اصلی این مسیر، کوفه بود و معمولاً کاروان‌های حج از شهرهای مختلف، با تجمع در این شهر، سفر را ادامه می‌دادند و با گذر از مسیر جبل (حائل امروزی) و بادیه عربستان، خود را به حرمین شریفین می‌رساندند (جعفریان، ۱۳۸۹، ص ۱۱-۱۳).

همچنین حجگزاران و کاروان‌های حج دیگر سرزمین‌های اسلامی همچون اندلس، مغرب، شمال آفریقا، مصر، شام و آناتولی از مسیرهای دیگری استفاده می‌کردند و در دوره‌های متأخر نیز مسیرهای دریایی از شبه‌قاره هند و قلمرو عثمانی، رواج چشمگیری یافت. در دوره‌های تاریخی مختلف، بسیاری از حجگزارانی که مسیر شام را برای رفت یا بازگشت خود به حجاز برمی‌گزیدند، علاقه‌مند بودند تا مسجداً اقصی در بیت‌المقدس را که از سال‌های نخست ورود مسلمانان به این منطقه به مکانی مقدس برای آنان تبدیل شده بود، زیارت کنند.

در عراق هم با ساخت بناهایی بر قبور مطهر ائمه اهل بیت علیهم‌السلام و توسعه چشمگیر آنها در دوره‌های بعدی، این قبور رفته‌رفته به زیارتگاه‌های مهمی برای عموم مسلمانان تبدیل شد و از آنجا که شهرهایی همچون بغداد، کوفه و کربلا در

مسیر کاروان‌های حج یا نزدیک آن قرار داشته‌اند، مشاهد مقدّسه ائمه علیهم‌السلام در این شهرها، که معمولاً آنها را با عنوان «عتبات عالیات» می‌شناسیم، از مقصدهای زیارتی حجگزاران مسلمان بوده‌اند.

در این مقاله کوشیده‌ایم تا با استناد به شواهد و مدارک تاریخی متعدد، به اثبات این فرضیه پردازیم که زیارت مشاهد امامان شیعه علیهم‌السلام در عراق، به ویژه دو آستان مقدس علوی و حسینی، به مرور زمان به یکی از آداب معنوی سفر حج تبدیل شده بود و کاروان‌های حجگزاری که در مسیر سفر حج خود از عراق عبور می‌کردند، به زیارت این مشاهد مقدّسه، اهتمام و تقید داشته‌اند.

سیر اجمالی ساخت و توسعه دو آستان علوی و حسینی در سده‌های نخستین

قبر مطهر امامان شیعه علیهم‌السلام در عراق، اگرچه از همان ابتدا مورد توجه و زیارتگاه شیعیان بود؛ بعدها با ساخت گنبدها و بناهایی بر فراز آنها، که دست کم از نیمه‌های سده سوم آغاز شد و در سده‌های بعدی به طور مکرر توسعه یافت، به تدریج به صورت ساختمان‌ها و مجموعه‌های معماری بزرگ و شاخصی درآمدند و به موازات این توسعه‌ها، به مقاصد زیارتی مهمّی، نه فقط برای شیعیان دوازده‌امامی؛ بلکه برای پیروان دیگر فرق و مذاهب اسلامی تبدیل شدند.

در خصوص قبر مطهر امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در نجف اشرف، باید گفت در برخی منابع شیعی متعلق به سده‌های میانی، روایتی مبنی بر ساخت گنبد کوچکی برای آن به دستور هارون الرشید (خلافت: ۱۷۰-۱۹۳ق) گزارش شده (ر.ک: ابن طاووس، ۲۰۱۰م، ص ۲۷۳-۲۷۴) و گاه حتی نخستین گنبد آرامگاهی ساخته‌شده در اسلام نیز به شمار آمده است؛ اما درباره اعتبار و اصالت تاریخی این گزارش، به دلایلی همچون اشاره نشدن به آن در هیچ یک از منابع تاریخی کهن و متقدّم و همچنین ساختار داستانی آن، تردید وجود دارد.

کهن‌ترین گزارش تاریخی درباره ساخت گنبد برای قبور امام علی علیه‌السلام و

امام حسین علیه السلام، گزارش ابواسحاق صابی (د ۳۱۳ق) است که از ساخت بنا بر فراز این دو قبر به دستور محمد بن زید داعی علوی (مقتول در ۲۸۷ق)، از علویان طبرستان، خبر داده و آن را نخستین بنای ساخته شده بر این قبور دانسته (صابی، ۱۹۷۷م، ص ۴۶-۴۷). همین گزارش در برخی منابع بعدی نیز بازتاب یافته (از جمله: خوارزمی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۵۴).

ابن حوقل، از ساخت یا توسعه بارگاه علوی به دست ابوالهیجاء عبدالله بن حمدان، حاکم شیعه موصل [در حد فاصل سال‌های ۲۹۳-۳۰۱ق] خبر داده است (ابن حوقل، ۱۹۳۸م، ج ۱، ص ۲۴۰). منابع بعدی نیز از ساخت بارگاه امام علی علیه السلام به دستور عضدالدوله دیلمی (حکومت: ۳۳۸-۳۷۲ق) خبر داده‌اند (مستوفی، ۱۳۷۸، ص ۳۲؛ دیلمی، ۱۴۲۹ق، ص ۳۸۷) که می‌تواند تکمیل ساخت یا توسعه بنای قبلی باشد.

ابن حوقل در نیمه سده چهارم، آستان علوی را دارای گنبدی بزرگ و مرتفع و حصار مستحکم با چندین در، که با حصیرهای نفیس فرش، و با پارچه‌های نفیس پوشیده شده بود، توصیف کرده است (ابن حوقل، ۱۹۳۸م، ج ۱، ص ۲۴۰). اندرسبانی، عالم معتزلی اهل خوارزم، در سده ششم هجری نیز در کتاب الاربعین خود، به زیارت آستان علوی اشاره می‌کند و آن را به بارگاه سلطان باعظمتی که شرق و غرب را در تصرف دارد، تشبیه کرده است که در چشم مردمان، گرامی‌تر از این مشهد نیست و ازدحام مردم برای زیارت آن، با ازدحام آنان برای زیارت تربت رسول خدا صلی الله علیه و آله برابری می‌کند (انصاری، ۱۳۹۵).

درباره تاریخ ساخت بنای اولیه بارگاه امام حسین علیه السلام، اطلاع دقیقی در دست نیست و به نظر می‌رسد آنچه برخی متأخران درباره ساخت تربت یا گنبدی برای قبر مطهر به دست قبیله بنی اسد یا مختار ثقفی گفته‌اند (الکلیدار، ۱۳۸۹، ص ۲۰۸)، فاقد اعتبار تاریخی است. باین حال، دور از ذهن نیست که دست کم از سده دوم

هجری، وجود سقیفه (سایبان) یا بنای کوچکی بر قبر شریف وجود داشته است، چنان‌که از روایتی از امام صادق علیه السلام درباره چگونگی زیارت امام حسین علیه السلام برمی‌آید (ابن قولویه، ۱۳۷۵، ص ۲۵۶).

به هر حال، چنان‌که اشاره شد، نخستین گزارش تاریخی در این باره، گزارش ابواسحاق صابی مبنی بر ساخت گنبد برای قبر شریف به دستور محمد بن زید داعی علوی است (صابی، ۱۹۷۷م، ص ۴۶-۴۷). منابع بعدی نیز از ساخت ساختمان زیارتگاه به دستور عضدالدوله دیلمی سخن گفته‌اند (خوارزمی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۵۴؛ مستوفی، ۱۳۷۸، ص ۳۲). ابن حوقل نیز در نیمه سده چهارم، از این آستان به «مشهد عظیم» تعبیر کرده است (ابن حوقل، ۱۹۳۸م، ج ۱، ص ۲۴۰).

بنابراین، شواهد تاریخی بیانگر آن است که دو آستان علوی و حسینی علیه السلام در آغاز سده پنجم به دو مقصد زیارتی بزرگ و معتبر برای عموم مسلمانان تبدیل شده بود؛ تا جایی که امرا و پادشاهان و گاه حتی خلفای عباسی نیز به زیارت این دو آستان اهتمام داشتند.^۱ همچنین از سده‌های سوم و چهارم، گزارش‌های تاریخی متعددی از انتقال جنازه بسیاری از رجال علمی برجسته، دولتمردان و حتی امرا و پادشاهان از مناطق دیگر به این دو آستان مقدس وجود دارد.^۲

۱. برای نمونه، ابوالکلیجار مرزبان بن سلطان‌الدوله بویه (حکومت: ۴۱۵-۴۴۰ق)، سال ۴۳۶ قمری دو آستان مقدس علوی و حسینی را زیارت کرده است (ابن اثیر، ۱۹۷۹م، ج ۹، ص ۵۲۵). ملک‌شاه سلجوقی (حکومت: ۴۶۵-۴۸۵ق) به همراه وزیرش نظام‌الملک (مقتول در ۴۸۵ق)، سال ۴۷۹ قمری به زیارت آستان حسینی مشرف شده است (سبط ابن جوزی، ۲۰۱۳م، ج ۱۹، ص ۴۰۷). خلیفه عباسی مستنصر بالله (خلافت: ۶۲۳-۶۴۰ق) نیز به زیارت دو آستان علوی و حسینی می‌رفته است (همو، ج ۲۲، ص ۳۷۶).

۲. از میان گزارش‌های تاریخی فراوان در این باره، صرفاً برای مثال اشاره می‌شود به انتقال جنازه و دفن عضدالدوله دیلمی (د ۳۷۳ق) (ابن جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۴، ص ۳۰۰)، بدر بن حسنویه (مقتول در ۴۰۵ق) (ابن اثیر، ۱۹۷۹م، ج ۹، ص ۲۴۸) و بدرالدین لؤلؤ (د ۴۵۷ق) حاکم موصل (ابن دقماق، ۱۹۹۹م، ص ۲۵۷) در آستان امام علی علیه السلام یا انتقال جنازه و دفن ابوالعباس ضَبّی (د ۳۹۸ق) وزیر فخرالدوله دیلمی (ابن جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۵، ص ۳۹۸) و مجدالملک براوستانی (مقتول در ۴۹۲ق) وزیر برکیارق سلجوقی (رازی قزوینی، ۱۳۹۱، ص ۹۲ و ۲۳۶) در آستان امام حسین علیه السلام.

زیارت دو آستان علوی و حسینی در آینه لطائف الاذکار ابن مازة

لطائف الاذکار للْحُضَارِ وَالسُّفَارِ، تألیف شمس الدین محمد بن عمر بخاری حنفی، معروف به ابن مازة (مقتول در ۵۶۶ق) را می‌توان کهن‌ترین متن فارسی مستقل و شناخته‌شده در موضوع حج و حرمین شریفین دانست. مؤلف از رجال خاندان «ابن مازة» است که شماری از اعضای آن، رؤسا و فقهای بخارا در سده ششم هجری بوده‌اند. او این کتاب را پس از سفر حجش در ۵۵۲ قمری، به درخواست مادرش که گویا از سادات علوی بوده، نگاشته است (ابن مازة، ۱۳۹۲، ص ۶۲).

ابن مازة در مقدمه کتاب، موضوع آن را «بیان مذهب سنت و جماعت و کیفیت اوراد و وضو و صلوات و بعضی احکام آن و باز نمودن احکام مناسک و چگونگی شرایط زیارت و اعلام کردن از تربت هر بزرگی از قبه‌الاسلام بخارا تا به مدینه‌السلام» دانسته است (همانجا)؛ چنان‌که در این مقدمه اشاره می‌کند بخش عمده‌ای از محتوای کتاب، به شرح زیارتگاه‌های واقع در طول مسیر سفر حج، و همچنین بخش قابل توجهی به آداب و مناسک حج اختصاص دارد.

بر این اساس، می‌توان موضوع لطائف الاذکار را در درجه نخست، راهنمانگاری حج دانست که مؤلف، آن را به مشابه راهنمایی مختصر، اما نسبتاً جامع برای سفر حج نگاشته و در عین حال، از آداب این سفر معنوی، از آغاز تا پایان آن، همراه با معرفی تربت‌های اولیا و ائمه دین در طول مسیر، و مناسک حج و اماکن زیارتی حرمین شریفین، شرحی به دست داده است.

ابن مازة در بخش سوم کتاب، ضمن معرفی مهم‌ترین زیارتگاه‌های موجود در شهرهای اصلی واقع در مسیرش همچون بخارا، مرو، نیشابور، شهری و بغداد، معمولاً زندگی‌نامه مختصری از علما و مشایخ دارای زیارتگاه یا مدفون در گورستان‌های این شهرها نیز به دست داده است. این امر می‌تواند شاهدی باشد بر آنکه زیارت مشاهد و قبور اولیا و مشایخ دین در شهرهای واقع در مسیرهای حج،

در آن زمان به سنتی در راستای آداب معنوی سفر حج تبدیل شده بود.

ابن مازة از «تربت مبارک» امیر مؤمنان علی علیه السلام در کوفه و «تربت با ضیاء» امام حسین علیه السلام در کربلا نیز یاد کرده. او مزار امام علی علیه السلام را مسجدی «بس با راحت و آراسته» توصیف کرده. گفتنی است با اینکه اهل سنت درباره محل دفن امیر مؤمنان علیه السلام اتفاق نظر نداشته و اقوال دیگری مطرح کرده‌اند، ابن مازة در توجیه زیارت آستان مقدس علوی نوشته است:

در کتب آورده‌اند که بسیار بزرگان، بر آن‌اند که قالب عزیز او در همان مشهد است، و دوستی و بزرگی، از یکی از بزرگان بغداد نقل می‌کرد که گفت هیچ فرزند نباشد که تربت پدر خویش نیابد و از بعد امیرالمؤمنین علی - رضی الله عنه و عن اولاده- جمله فرزندان و اهل بیت به زیارت پدر و جدّ خویش اینجا آمده‌اند؛ و اگر در آن مشهد نباشد، چون به نیاز و صدق زیارت کنند، به مقصود برسند (همان، ۱۳۹۲، ص ۱۵۶).

ابن مازة درباره امام حسین علیه السلام گفته است که «منقبت او را نهایت نیست، و بس بود کی این شوق و بزرگواری کی پاره‌ای باشد از جگر مصطفی»؛ و زیارت آن حضرت را «امیدوارترین زیارت در این راه» دانسته است. او آستان حسینی را «مشهدی عظیم با نور و آراسته» توصیف، و به محل شهید شدن امام علیه السلام و دیگر فرزندان و شهدای کربلا و مزار حضرت عباس علیه السلام اشاره کرده است که: «امید است کی حق - سبحانه و تعالی- آنجا دعا را رد نکند، و از دوزخ و نفس اماره آزادی کرامت فرماید» (همان، ۱۳۹۲، ص ۱۵۷).

زیارت عتبات عالیات در سفرهای حج دوره‌های بعدی

در سده‌های بعدی، رجال و عالمان دینی دیگری، به ویژه از ناحیه خراسان می‌شناسیم که در مسیر سفر حجشان، دو مشهد علوی و حسینی و مزارات ائمه مذاهب و مشایخ صوفیه را در بغداد زیارت کرده‌اند. یک نکته درباره شماری از

این عالمان، آن است که آنها زیارت عتبات را گاه صرفاً در مسیر رفت (یا بالعکس) انجام می‌داده‌اند و برای بازگشت (یا بالعکس)، مسیر شام را با گذر از شهرهایی همچون بیت‌المقدس، دمشق و حلب انتخاب می‌کردند تا به این صورت، به سنت زیارت مسجدالاقصی عمل کرده و در عین حال، از مراکز علمی شهرهای شام بازدید، و با علمای ساکن آنها دیدار کرده باشند.

از میان این شخصیت‌ها می‌توان به خواجه محمدپارسا (د ۸۲۲ق)، صوفی مشهور نقشبندی، اشاره کرد. او در رساله مزاراتش، به معرفی مختصر زیارتگاه‌های مشهور شهرهای مهم شام و عراق شامل بیت‌المقدس، الخلیل، دمشق و بغداد پرداخته و ضمن آن، به مشاهد ائمه شیعه یعنی امام موسی و جواد علیهما السلام، مشهد امیر المؤمنین علیه السلام و «دشت کربلا» اشاره کرده است (پارسا، ۲۰۱۱م، ص ۱۶۵-۱۶۶).

نکته‌ای مهم درباره این رساله، آن است که خواجه پارسا در پایان رساله، آداب بازگشت و ختم سفر حج را ذکر کرده و به حجگزاران توصیه کرده است که در زمان گذشتن از این شهرها، این مزارات را زیارت کنند؛ «زیرا که این بلاد، اعظم بلاد و این مزارات، اشرف مزارات است» (همانجا). این امر نشان می‌دهد، چنان‌که در لطائف‌الاذکار ابن مازه شاهد بوده‌ایم، سنت زیارت قبور ائمه و مشایخ دین، در راستای آداب سفر حج مطرح شده است.

شخصیت برجسته دیگر، نورالدین عبدالرحمان جامی (د ۸۹۸ق)، ادیب و سراینده مشهور فارسی‌زبان است که همچون خواجه پارسا، از مشایخ طریقت نقشبندیه بوده. جامی در مسیر سفر حجش در ۸۷۷ قمری، چهار ماه در بغداد اقامت کرد و به زیارت دو مشهد مقدس علوی و حسینی مشرف شد و قصیده‌هایی در مدح این دو بارگاه سرود. او پس از ادای فریضه حج، مسیر شام را برای بازگشت به وطنش هرات برگزید (برای آگاهی بیشتر درباره سفر حج جامی ر.ک: موسوی مقدم تربتی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۶-۱۶۰).

از دوره قاجار، سفرنامه‌های حج فارسی فراوانی از نویسندگان ایرانی، که بیشتر از رجال و دولتمردان و بعضاً نیز از اهل علم و فضل بودند، باقی مانده است که شماری از آنها در مسیر رفت یا بازگشتشان عتبات عالیات عراق را زیارت کرده‌اند.^۱ از همین دوره، سفرنامه‌های فارسی دیگری از حجگزاران عمدتاً شیعه هندی وجود دارد که با وجود دوری راه، از مسیر دریایی خود را به بصره رسانده و از آنجا به زیارت عتبات عالیات رفته‌اند.^۲

با این حال، شاید نتوان زیارت همه این نویسندگان را مشمول چنین سنتی دانست؛ زیرا به نظر می‌رسد تصمیم به زیارت عتبات برای این نویسندگان، تا حدود زیادی بر مبنای تصمیم شخصی آنان بوده است؛ نه بر اساس سنتی که کاروان‌های حج مقید به ادای آن باشند. زیرا به طور کلی در این دوره، ایرانیان و گاه شیعیان هندی، تعاملات علمی، فرهنگی و اجتماعی گسترده‌ای با عتبات داشته‌اند و سفرهای فراوانی، صرفاً به قصد زیارت عتبات و بدون انجام سفر حج داشته‌اند. وجود سفرنامه‌های فراوان دیگری که نویسندگان آنها، مسیرهای دیگری را - بدون زیارت عتبات - برای سفر حجشان برگزیده‌اند، می‌تواند مؤید این مدعا باشد.^۳

با این همه، به نظر می‌رسد سنت زیارت عتبات عالیات در راستای سفر حج،

۱. از سفرنامه‌های ایرانیانی که نویسندگان آنها در مسیر سفر حجشان، به زیارت عتبات عالیات عراق مشرف شده‌اند، می‌توان از سفرنامه مکه سیف‌الدوله (سال ۱۲۷۹ق)، سفرنامه مکه عصمت‌السلطنه (سال ۱۲۹۷ق)، سفرنامه حج محمدابراهیم مشتری طوسی (سال ۱۲۹۷ق)، سفرنامه مکه میرزا عبدالحسین خان افشار رومی (سال ۱۲۹۹ق)، سفرنامه مکه ملاابراهیم کازرونی (سال ۱۳۱۵ق)، مسالک السالکین اثر کیکاووس میرزا، و سفرنامه حج و عتبات سیدمحمدحسین تقوی قزوینی نام برد.

۲. از نمونه‌های سفرنامه‌های فارسی شیعیان هندی، می‌توان به روزنامه‌چه سفر هند اثر فیروز علی حیدرآبادی (سال ۱۲۷۹-۱۲۸۰ق) و منازل قمریه فی سوانح سفریه اثر علی حسین بن سید خیرات علی (سال ۱۲۸۹ق) اشاره کرد.

۳. از نمونه‌های مهم این سفرنامه‌ها می‌توان از سفرنامه حج منصور (سال ۱۲۸۵-۱۲۸۶)، هدایة الحجاج اثر سیدمحمدرضا طباطبایی تبریزی (سال ۱۲۹۶ق)، سفرنامه مکه حسام‌السلطنه (سال ۱۲۹۷ق)، سفرنامه مکه محمدحسین فراهانی (سال ۱۳۰۲ق) و تحفة الحرمین اثر معصوم‌علیشاه نایب‌الصدر شیرازی (سال ۱۳۰۵ق) یاد کرد.

تا دوره متأخری برای کاروان‌های حج‌گزار سرزمین‌های اسلامی دیگری، به ویژه زائران ناحیه خراسان بزرگ و ماوراءالنهر، همچنان ادامه داشته است. برای نمونه، از متون مهمی که این امر را نشان می‌دهد، باید به حج‌نامه منظوم، سروده شاعری نقشبندی از اهالی سمرقند به نام الله‌یار صوفی (د ۱۳۳۳ق) اشاره کرد که در منظومه کوتاهش، به شرح و معرفی بسیار مختصر آداب حج و اماکن حرمین پرداخته است. نکته‌ای مهم درباره این متن، آن است که سراینده در پایان منظومه‌اش، حج‌گزار مخاطب را به زیارت تربت امام حسین علیه السلام در کربلا در مسیر بازگشت از مدینه منوره توصیه کرده؛ چنان‌که در بخشی از آن سروده (جعفریان، ۱۳۹۴، ص ۱۴۶):

وقتی که از مدینه بگردی به صدالم شاید که وقت رجعت خود کربلا روی

آنجا حسین نام یکی شاه‌زاده است با خاک او به آه و فغان و بُکا روی

از متون متأخر نیز سفرنامه بسیار مهمی که می‌تواند بر استمرار سنت مورد نظر ما دلالت داشته باشد، سفرنامه ملا رحمت‌الله بن ملا عاشور بخارائی (د ۱۳۱۱ق)، موسوم به غرایب الخبر فی عجایب السفر است.^۱ چنان‌که از متن سفرنامه برمی‌آید، مؤلف از عالمان دینی بخارا و نزدیک به امیر این شهر است که اگرچه بر عقیده اهل سنت بوده، علاقه فراوانی به اهل بیت علیهم السلام داشته و چهره متعصبی از خود نشان نداده است.

سفر حج ملا رحمت‌الله بخارائی در ۱۳۰۳ قمری آغاز شده و یک سال بعد به پایان رسیده. مسیر سفر وی به این صورت بوده که از بخارا به مشهد، و پس از زیارت حضرت امام رضا علیه السلام، به عشق‌آباد رفته و با گذر از دریای خزر به باکو، و از آنجا به استانبول، و از مسیر دریایی به اسکندریه، و از آنجا به بندر جدّه در ساحل حجاز رفته و پس از ادای فریضه حج نیز به مدینه، و از آنجا از راه جبل به

۱ متن کامل این سفرنامه، به تصحیح استاد رسول جعفریان منتشر شده است. رک: بخارایی، «غرایب الخبر فی

عجایب السفر»، سفرنامه‌های حج قاجاری (پنجاه سفرنامه)، به کوشش رسول جعفریان، ج ۴، ص ۸۹۵-۱۰۳۷.

عراق رفته و به زیارت همه عتبات عالیات مشرف شده است (بخارائی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۸۹۷-۸۹۸).

نکته قابل توجه در این باره، آن است که مؤلف در مسیر بازگشتش، با اینکه ابتدا از نزدیکی نجف عبور کرده، چنان که خود نوشته، «از جهت تنگی فرصت زیارت اربعین حضرت سیدالشهداء»، به نجف فرود نیامده، راه خود را به کربلا ادامه داده و در هیجدهم ماه صفر وارد این شهر شده است (همان، ۱۳۸۹، ص ۹۸۱). سپس در ۲۸ صفر به زیارت حرم امام علی علیه السلام در نجف مشرف شده و از آنجا به بغداد رفته و آستان امامین کاظمین علیهما السلام و مزارات مشایخ بغداد همچون عبدالقادر گیلانی و ابوحنیفه را زیارت کرده و در پایان نیز به زیارت آستان سامرا مشرف شده است (همان، ۱۳۸۹، ص ۹۹۰-۹۹۹).

نکته مهم و قابل توجه دیگر، آن است که مؤلف در سفرنامه‌اش اشاره کرده که در زمان رسیدن به منزلگاهی نزدیک نجف اشرف، یکی از سادات نجف با اشخاص دیگری به استقبال حجاج آمدند و نامه‌هایی را که از بخارا برایشان رسیده بود، به آنها تحویل دادند که در این نامه‌ها، سلامت پادشاه بخارا و آبادی مملکت به اطلاع حجگزاران رسیده بود و باعث خرسندی و خاطر جمعی‌شان شده بود (همان، ۱۳۸۹، ص ۹۸۱).

به باور نگارنده، این نکته بسیار مهم، می‌تواند دلالت داشته باشد بر آنکه بازگشت کاروان‌های حجگزار از بخارا و شاید شهرهای دیگر آسیای میانه به عراق و ورود آنان به نجف، بر اساس سنت ثابت و مستمری انجام می‌شده است؛ چنان که نامه‌ها از بخارا به اشخاص معینی در نجف می‌رسیده تا آنان به دست همشهریان حجگزار خود برسانند و بر این اساس، می‌توان گفت که رسم و سنت زیارت عتبات عالیات، از دیرباز تا دوره متأخر، به ویژه میان کاروان‌های حجگزار منطقه آسیای میانه و شهرهای آن همچون بخارا و سمرقند، ادامه یافته بود.

اسناد خطی مصور (طومارهای زیارتی)

افزون بر متون مکتوب، نمونه‌هایی از اسناد خطی تصویری مرتبط با سفرهای حج وجود دارد که در آنها تصاویر دو آستان علوی و حسینی و گاه دیگر عتبات و زیارتگاه‌های مهم عراق، کنار تصاویر مسجدالحرام و مسجدالنبی و گاه دیگر اماکن مقدس حرمین شریفین ترسیم شده است. این اسناد، بیشتر طومارهای گواهی‌نامه حج یا طومارهای زیارتی و گاه حتی پوستره‌های زیارتی را شامل می‌شود.

طومار گواهی‌نامه حج، سندی قانونی بود که در گذشته با هدف تصدیق و گواهی حجگزاری و ادای مناسک مختلف حج و عمره و اعمال آن برای برخی اشخاص تهیه و صادر می‌شد. این گواهی‌نامه‌ها بیشتر به شکل طومارهایی حاوی نقاشی‌ها و نگاره‌هایی از مساجد و اماکن مقدس حرمین شریفین و گاه دیگر مکان‌های مقدس بودند. البته بعدها شماری از این طومارها به شکل تک‌برگ‌های خطی و در دوره متأخر نیز به شکل برگه‌های چاپی، برای عرضه عمومی‌تر تهیه می‌شدند.

قدیمی‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده و باقی‌مانده از طومارهای گواهی‌نامه حج، امروزه در موزه «هنر ترک و اسلام» در استانبول نگهداری می‌شود. این طومارها میان مجموعه‌ای از آثار قدیمی، در ۱۸۹۳ میلادی در جریان بازسازی مسجد اموی دمشق و پس از آتش‌سوزی ویرانگر آن، شناسایی و سپس به استانبول فرستاده شدند. قدمت آنها به دوره‌های سلجوقی، ایوبی و مملوکی باز می‌گردد و تاریخ قدیمی‌ترین آنها ۴۷۶ قمری، و جدیدترین آنها ۷۱۰ قمری است.

اما از میان این طومارها، قدیمی‌ترین نمونه مصور، قطعه‌ای است مربوط به ۵۸۹ قمری و بیشتر نمونه‌های تاریخ‌دار دیگر نیز مربوط به پس از سال ۶۰۸ قمری و متعلق به دوره خلافت الناصر لدین‌الله عباسی (حکومت: ۵۷۵-۶۲۲ق) است. اماکنی که تصاویر آنها در بیشتر طومارهای موجود ترسیم شده‌اند، عبارت‌اند از: مسجدالحرام، مسجدالنبی، مشاعر مقدّسه مکه (شامل عرفات، مزدلفه و منا) و همچنین مسجدالاقصی

در بیت المقدس (برای اطلاع تفصیلی ر.ک: Aksoy and Milstein, 2000, p.101-134).

نکته مهم درباره طومارهای مصور موجود در موزه هنر ترک و اسلام، وجود تصویر مسجدالاقصی است که با سنت زیارت این مسجد برای حجگزاران مسلمان ارتباط دارد و وجود چنین سنتی را به عنوان بخشی از آداب سفر حج برای کاروان‌هایی که از مسیر شام راهی حرمین شریفین می‌شدند، نشان می‌دهد.

اما طومار زیارتی بسیار مهم در ارتباط با موضوع این مقاله، نمونه موجود در موزه «هنر اسلامی» دوحه قطر است که از دوره تیموری، به تاریخ ۲۱ محرم ۸۳۷ قمری و متعلق به شخصی به نام سیدیوسف بن سید شهاب‌الدین ماوراءالنهری است. وی این طومار را به عنوان گواهی‌نامه حجگزاری‌اش و زیارت حرم‌های مقدس فراهم آورده است (برای اطلاع تفصیلی ر.ک: Chekhab-Abudaya, 2016, p.345-407).

از متن طومار، برداشت می‌شود که صاحب آن، درویشی از ماوراءالنهر و پیرو اهل سنت، اما با گرایش‌های شیعی و علاقه‌مند به دوازده امام بوده که در آن دوره، این نوع گرایش رواج فراوانی در ایران و خراسان داشته است (برای آگاهی اجمالی در این باره ر.ک: جعفریان، ۱۳۸۸، ص ۸۴۰-۸۵۰)؛ چنان‌که در حواشی طومار، هم اسامی خلفای راشدین و هم اسامی دوازده امام و همچنین تکرار دو نام «محمد - علی» به چشم می‌خورد.

همچنین در متن طومار آمده است که سیدیوسف ماوراءالنهری، «زیارت چهار حرم و دو مشهد را دریافته» است. بر مبنای همین تعبیر، در این طومار شش مکان مقدس تصویرپردازی شده‌اند که به ترتیب عبارت‌اند از: مسجدالحرام در مکه مکرمه (به انضمام «مسی»)؛ مسجدالنبی در مدینه منوره، حرم حضرت ابراهیم علیه السلام در شهر الخلیل، مسجدالاقصی در بیت المقدس، مشهد امیر المؤمنین علیه السلام در نجف و مشهد امام حسین علیه السلام در کربلا.

در واقع، همان‌گونه که وجود تصویر مسجدالاقصی در نمونه‌های کهن طومارهای

گواهی‌نامه حج در موزه هنر ترک و اسلام، ارتباط زیارت این مسجد مقدّس با سفرهای حج مسلمانان مناطق دیگر را نشان می‌دهد و همچنین تصویر این مسجد و تصویر حرم ابراهیم خلیل علیه السلام در طومار موزه قطر نیز ترسیم شده است، وجود تصاویر دو مشهد علوی و حسینی در همین طومار، به وضوح بر ارتباط سنت زیارت این دو آستان مقدس با سفرهای حج حاجیان خراسان و ماوراءالنهر دلالت دارد.

از دوره‌های متأخر، نمونه‌هایی کاملاً شیعی از طومارهای زیارتی مصوّر می‌شناسیم که اگرچه به طور کلی برگرفته از طومارهای گواهی‌نامه حج است، برای گواهی حجگزاری شخص خاصی صادر نشده و نشان‌دهنده سفر دینی و معنوی حج، همراه با زیارت مهم‌ترین بارگاه‌ها و زیارتگاه‌های شیعه است و سیری از مقصدهای زیارتی این سفر را به تصویر کشیده که گاه از مشهد مقدس تا مکه مکرمه را شامل می‌شود.

از این‌رو، در چنین طومارهایی، کنار تصاویر مهم‌ترین اماکن مقدس حرمین همچون مسجدالحرام و مسجدالنبی و گنبد ائمه بقیع، تصاویر عتبات عالیات عراق و شمار دیگری از مهم‌ترین زیارتگاه‌های شیعی همچون مسجد کوفه، مزار حضرت عباس علیه السلام، مزار طفلان مسلم، مزار حضرت معصومه علیها السلام در قم، مزار حضرت عبدالعظیم و در پایان نیز قدمگاه امام رضا علیه السلام در نیشابور و آستان مقدس رضوی در مشهد نیز ترسیم شده است.

از قدیمی‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده طومارهای زیارتی مصوّر شیعی، طومار موسوم به «نیبور» است که قدمت آن به حدود سال ۱۱۷۸-۱۱۷۹ هجری / ۱۷۶۵ میلادی می‌رسد و آن را جهانگرد مشهور دانمارکی، کارستن نیبور^۱ در کربلا یافته و به سرزمین خود برده است و امروزه در موزه ملی دانمارک نگهداری می‌شود.

1. Carsten Niebuhr.

درازای طومار، ۱۹۲ سانتی‌متر و عرض آن، ۲۲ سانتی‌متر است؛ اما در سه‌پاره نامساوی (حدود $۷۷/۵+۵۶/۷+۵۷/۷$ سانتی‌متر) بریده شده است (مارزولف، ۱۳۹۲، ص ۴۷-۴۸).

تصاویر زیارتگاه‌ها در این طومار، از کوه صفا و مروه و مسجدالحرام آغاز می‌شود و به بارگاه امام رضا علیه السلام در مشهد ختم می‌شود. حد فاصل آنها نیز تصاویر مهم‌ترین زیارتگاه‌های شیعی عراق شامل حرم امام علی علیه السلام، مسجد کوفه، حرم امام حسین علیه السلام، حرم حضرت عباس علیه السلام، مزار حرّ ریاحی، مزار طفلان مسلم، حرم امامین کاظمین علیه السلام، حرم امامین عسکریین علیه السلام و سرداب غیبت امام زمان علیه السلام در سامرا به تصویر کشیده شده است.

اما نمونه متأخرتر و بسیار مهم دیگر، طومار زیارتی چاپ سنگی موجود در مجموعه‌ای شخصی در کی‌لوا^۱ در جزایر هاوایی است که به طول ۱۹۴ و عرض بیست سانتی‌متر، در سال ۱۹۷۲ میلادی در کرمان شناسایی شده است. این طومار مانند نمونه قبلی، سیر زیارتی اماکن مقدس شیعی را در سفر حج، از مشهد مقدس تا مکه مکرمه، به تصویر کشیده و تصاویر عتبات عالیات عراق و مزارات شیعی مهم آن را نیز دربر دارد (برای آگاهی تفصیلی ر.ک: همان، ۱۳۹۲، ص ۲۲-۵۵).

به نظر می‌رسد اسناد تصویری‌ای همچون طومارهای گواهی‌نامه‌های حج و طومارهای زیارتی شیعی، که افزون بر تصاویر اماکن مقدس حرمین، تصاویر عتبات عالیات به ویژه حرم امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام را نیز در بر دارند و دست‌کم از سده نهم هجری، چندین نمونه مهم از آنها شناخته شده‌اند، می‌تواند کنار متون تاریخی مکتوب، به عنوان شواهد مهمی برای پیوستگی زیارت عتبات عالیات با سفرهای حج، تفسیر و در نظر گرفته شوند.

1. Kailua.

طواف دادن جنازه‌های انتقالی به حرمین در مشهدین

در منابع تاریخی، گاه گزارش‌های مهمی از انتقال جنازه‌های برخی حاکمان و دولتمردان برای دفن در حرمین شریفین گزارش شده است که این جنازه‌ها را در میانه راه، در «مشهدین» یعنی دو مشهد مقدس امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام طواف داده‌اند. مهم‌ترین آنها، گزارش انتقال جنازه جمال‌الدین اصفهانی، معروف به «وزیر جواد» (د ۵۵۹ق)، وزیر برجسته و مشهور دوره آل‌زنگی موصل است.^۱

جواد اصفهانی از دولتمردانی بود که در زمان حیاتش کارهای خیر و خدمات عمرانی فراوانی در حرمین شریفین صورت داده و در مقابل مقبره پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه، رباط و مقبره‌ای اختصاصی برای خود ساخته بود. پس از درگذشتش، وی را نزدیک قبر «فتح کاری»، از صوفیان سده‌های اولیه اسلامی، به خاک سپردند و پس از یک سال، در ۵۶۰ قمری، بنا بر وصیتش جنازه‌اش را به مدینه انتقال دادند و در مقبره اختصاصی‌اش دفن کردند (ابن اثیر، ۱۹۷۹م، ج ۱۱، ص ۳۰۶-۳۰۷).

مورخان گزارش داده‌اند که در مسیر انتقال جنازه جواد اصفهانی به حرمین، که با آداب دینی و تشریفات فراوان برگزار شد، تابوت وی را در «مشهدین» یعنی دو مشهد امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام در کوفه (نجف) و حائر (کربلا) طواف دادند. پس از ورود آن به حجاز نیز آن را بالای کوه عرفات و سپس به منا و مکه بردند (سبط ابن جوزی، ۱۹۰۷م، ص ۱۵۵؛ همو، ۲۰۱۳م، ج ۲۱، ص ۵۰؛ فاسی، ۱۹۸۶م، ج ۲، ص ۲۱۵-۲۱۶) و چند بار گرد کعبه طواف دادند و سپس به مدینه منتقل کردند (ابن خلکان، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۴۵).

شاهد دیگر در این باره، گزارش انتقال جنازه مظفرالدین کوکبری (د ۶۳۰ق) - حاکم شهر اربل (اربیل امروزی در کردستان عراق) - است. او وصیت کرده بود

۱. جواد اصفهانی، منصب وزارت دو تن از پادشاهان خاندان آل‌زنگی موصل یعنی سیف‌الدین غازی بن عمادالدین زنگی (حکومت: ۵۴۱-۵۴۴ق) و برادر وی قطب‌الدین مودود بن زنگی (حکومت: ۵۴۴-۵۶۴ق) را عهده‌دار بود.

پس از مرگ، جنازه‌اش را به حرمین انتقال دهند و در گنبدی دفن کنند که در زمان حیاتش برای خود در پای جبل‌الرحمه در عرفات ساخته بود؛ اما در ۶۳۱ قمری، که جنازه‌اش را با کاروان حج به سوی مکه فرستادند، به علت خشکسالی شدید در آن سال، حجگزاران موفق به تکمیل و ادامه مسیر تا حجاز نشدند و به ناچار، به کوفه بازگشتند و جنازه کوکبری را در آستان امام علی علیه السلام به خاک سپردند (همان، بی تا، ج ۴، ص ۱۲۰).

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد که به دنبال ساخت و توسعه تدریجی مشاهد ائمه شیعه علیهم السلام در عراق از سده سوم هجری و توجه روزافزون مسلمانان به آنها، این مشاهد مقدس به مقاصد زیارتی مهمی برای کاروان‌های حجی که در مسیر خود از عراق عبور می‌کردند، تبدیل شد. در واقع، حجگزاران مسلمان، به طور ویژه به زیارت دو آستان علوی و حسینی در نجف و کربلا، به عنوان یکی از آداب معنوی سفر حج خود، تقید و اهتمام داشتند. برخی از آنها نیز در درجه دوم، به زیارت دو آستان مقدس امامین کاظمین علیهم السلام در بغداد و امامین عسکریین علیهم السلام در سامرا اهتمام می‌ورزیدند.

شواهدی که این نظریه را تأیید می‌کند، طیف گوناگونی از مدارک تاریخی شامل گزارش‌های منابع تاریخی، راهنمانگاری‌ها و سفرنامه‌های حج و همچنین اسناد ترسیمی - تصویری (گواهی‌نامه‌های حج و طومارهای زیارتی) را شامل می‌شود که هر یک از آنها به دوره‌های مختلفی، از جمله سده‌های ششم، نهم، دوازدهم و چهاردهم هجری تعلق دارد و وجود این طیف گسترده از مدارک، رواج این سنت و پیوستگی تاریخی آن را دست‌کم از سده ششم تا دوره‌ای متأخر که سفر حج هنوز از مسیرهای زمینی و دریایی انجام می‌شد، نشان می‌دهد.

همچنین بیشتر متون و شواهد باقی‌مانده، به حجگزارانی از شهرهای خراسان

بزرگ و ماوراءالنهر مانند بخارا، سمرقند و هرات تعلق دارد که عموماً از اهل سنت و بیشتر دارای گرایش‌های صوفیانه بوده‌اند. این مسئله را می‌توان شاهدی در نظر گرفت بر اینکه سنت زیارت عتبات عالیات در مسیر حج، نزد مسلمانان این حوزه جغرافیایی، بیش از مردم دیگر سرزمین‌های اسلامی رواج داشته است؛ هرچند شواهد دیگری (همچون گزارش انتقال جنازه جواد اصفهانی و طومارهای زیارتی شیعی)، نشان‌دهنده وجود این سنت نزد مسلمانان حوزه‌های جغرافیایی دیگر نیز هست.

منابع

۱. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۹۷۹م)، **الکامل فی التاریخ**، بیروت، دار صادر.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۹۹۲م)، **المنتظم فی تاریخ الملوک والأُمَم**، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۳. ابن حوقل (۱۹۳۸م)، **صورة الارض**، لیدن، بریل.
۴. ابن خلّکان، احمد بن محمد (بی تا)، **وفیات الاعیان**، تحقیق احسان عباس، بیروت، دار صادر.
۵. ابن طاووس، عبدالکریم بن احمد (۲۰۱۰م)، **فرحة الغری فی تعیین قبر امیرالمؤمنین علیؑ**، تحقیق محمد مهدی نجف، النجف، العتبة العلویة المقدسة.
۶. ابن دقماق، ابراهیم بن محمد (۱۹۹۹م)، **نزهة الانام فی تاریخ الاسلام**، تحقیق سمیر طَبَّارة، بیروت، المكتبة العصرية.
۷. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۷۵)، **کامل الزیارات**، تصحیح بهراد الجعفری، تهران، صدوق، چاپ اول.
۸. ابن مازة، محمد بن عمر (۱۳۹۲)، **لطائف الاذکار للحضار والسُّفَّار**، تصحیح رسول جعفریان، تهران، علم، چاپ اول.
۹. انصاری، حسن (۱۳۹۵)، «حرم حضرت امیر در توصیف یک عالم معتزلی سده ششم قمری»، **وبلاگ بررسی های تاریخی**: <http://ansari.kateban.com/post/2876/>
۱۰. بخارائی، ملارحمت الله (۱۳۸۹)، «غریب الخیر فی عجایب السفر»، **سفرنامه های حج قاجاری (پنجاه سفرنامه)**، به کوشش رسول جعفریان، تهران، علم.
۱۱. پارسا، خواجه محمد (۲۰۱۱م)، «رساله مزارات»، تصحیح: عارف نوشاهی، **Tasavvuf**، ۲۸.
۱۲. جعفریان، رسول (۱۳۸۸)، **تاریخ تشیع در ایران**، تهران، علم، چاپ سوم.
۱۳. _____ (۱۳۸۹)، **راه حج**، تهران، زیتون سبز.
۱۴. _____ (۱۳۹۴)، «دو رساله در حج»، **میقات حج**، ش ۹۱.
۱۵. خوارزمی، موقّق بن احمد (۱۴۱۸ق)، **مقتل الحسین**، تحقیق محمد السماوی، قم، انوار الهدی.
۱۶. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۲۹ق)، **ارشاد القلوب**، قم، ذوی القربی.
۱۷. رازی قزوینی، عبدالجلیل (۱۳۹۱)، **بعض مثالب النواصب فی نقض بعض نواقض الروافض (معروف به: نقض)**، تصحیح میرجلال الدین محدّث ارموی، به کوشش

- محمدحسین درایتی، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، تهران، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۸. سبط ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی (۱۹۰۷م)، *مرآة الزمان فی تاریخ الاعیان* (۴۹۵-۶۵۴ق)، چاپ فاکسیمیله، Introduction: James Richard Jewett, Chicago, The University of Chicago Press.
۱۹. _____ (۲۰۱۳م)، *مرآة الزمان فی تواریخ الاعیان*، دمشق، دار الرسالة العالمية.
۲۰. صابغی، ابراهیم بن هلال (۱۹۷۷م)، *المنتزع من کتاب الناجی*، تحقیق محمد حسین الزبیدی، عراق، وزارة الاعلام.
۲۱. فاسسی، محمد بن احمد (۱۹۸۶م)، *العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین*، تحقیق فؤاد سید، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۲۲. الکلیدار، عبدالجواد (۱۳۸۹)، *تاریخ کربلا و حائر حسینی*، ترجمه مسلم صاحبی، تهران، مشعر.
۲۳. مارزولف، اولریش، با همکاری ر. زنهاری (۱۳۹۲)، «از مکه تا مشهد: طومار تصویری از سفر زیارتی شیعی در دوران قاجار»، *نامه بهارستان*، دوره جدید، ش ۲.
۲۴. مستوفی، حمدالله بن ابی بکر (۱۳۷۸)، *نزهة القلوب*، به کوشش سیدمحمد دبیرسیاقی، قزوین، طه، چاپ دوم.
۲۵. موسوی مقدم تربتی، مهناز (۱۳۹۳)، *حج از سقوط حکومت ایلیخانان تا پایان حکومت تیموریان*، تهران، مشعر، چاپ اول.
26. Chekhab-Abudaya, Mounia, Am élie Couvrat Desvergnés, and David J. Roxburgh (2016), "Sayyid Yusuf's 1433 Pilgrimage Sc roll (Ziyārātnāma) in the Collection of the Museum of Islamic Art, Doha", *Muqarnas*, 33.
27. Aksoy, Şule and Milstein, Rachel (2000), "A Collection of Thirteenth-Century Illustrated Hajj Certificates", *M. Uğur Derman 65th Birthday Festschrift*, Istanbul.